گیشه پول

بازخوانی پرونده شبکه بانکی تسهیلات و سپرده‌ها (۱۶)

قاعده بازی تغییر کرد

■ **شرق؛ راشل آرامیان:** از زمانی کـه دولت نهم در صدر امور اجرایی کشـور قـرار گرفت، قاعده بازی بانک‌ها عوض شد. بانک‌ها که تا پیش از آمدن دولت نهم با تکیه بر منابع خود تسهیلات پرداخت می‌کردند این بار با تکیه بر منابع بانک‌مرکزی وارد عمل شده و تسهیلات مورد نیاز بخش‌های مختلف را تامین کردند. در این سال‌ها که بانک‌مرکزی نهاد سیاست‌گذار و ناظر بر شـبکه بانکی بود، به خزانه بانک‌ها تبدیل شد و با شدت بیشـتری بانک‌ها را از نظر مالی حمایت کرد. در پایان شـهریور ۸۴ که دولت محمود احمدی‌نژاد رسـما آغاز به کار کرد، سپرده‌های جذب شده حدود ۷۴/۵هزار میلیارد تومان بودند که بانک‌ها با استفاده از این منابع توانستند حدود ۶۸/۷هزار میلیارد تومان تسهیلات دهند. می‌بینید که همه چیز در امن و امان است و نسبت‌ها نیز از استانداردها تجاوز نکرده‌اند. در اواخر سال ۸۴ یعنی پس از گذشت شش ماه از دولت نهم، بانک‌ها توانسـتند ۸۷هزار میلیارد تومان منابع جذب کننـد و ۸۳/۲هزار میلیارد تومان تسـهیلات دهند. مقایسه رقم سـپرده‌ها و تسهیلات در این دو دوره نشـان می‌دهد، از این پس آرام‌آرام شکاف میان این دو کم شـده و تسهیلات و سپرده‌ها از نظر ارقام در حال نزدیک‌تر شـدن به یکدیگرند. سال ۸۵ از راه می‌رسـد. در این سال پرداخت تسهیلات معروف به بنگاه‌های زودبازده آغاز می‌شـود و چون پرداخت آن تازه آغاز شده، کمتر از سوی دولت حمایت می‌شود. بنابرایـن وضعیـت بانک‌هـا نیز خوب اسـت و آنان می‌تواننـد بهتر طرح بنگاه‌های زودبـازده را حمایت کنند. در پایان این سـال سـپرده‌های جذب‌شده به ۱۳۴هزار میلیارد تومان بالغ می‌شـوند در حالی که بانک‌ها حدود ۱۲۰/۲هزار میلیارد تومان تسـهیلات پرداخت کردند. البته سپرده قانونی که بانک‌ها موظفند از سپرده‌های جذب شده کسر و نزد بانک‌مرکزی بلوکه کنند را از یاد نبرید. در پایان سـال ۸۵، بانک‌ها مجاز بودند ۱۱۴/۹هزار میلیارد تومان از سپرده‌های خود را تسهیلات دهند در حالی که دیدید، بیش از این رقم تسهیلات پرداخت کردند. بانک‌ها اندکی پا را فراتر از خطوط قرمز گذاشتند و بخشی از سپرده قانونی خود را که نـزد بانک‌مرکزی بود، طلب کردند و به اعطای وام اختصاص دادند. بر این اساس نسبت تسهیلات به سپرده‌ها که تا پیش از سال ۸۴ براساس استانداردهای موجود بود، افزایش یافت و به ۱۰۴/۶درصد رسـید. در این سال پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده با قدرت هرچه تمام‌تر دنبال شـد. جهرمی به عنوان وزیر کار برای بهبود کارنامه خود، فشـار بیشتری را بر بانک‌ها آورد تا به پشتوانه منابع بانکی آمار بیکاری را کاهش دهد. عبور از اسـتانداردها چنان شدت پیدا کرده بود که ابراهیم شـیبانی با دولت بر سـر همین مسـاله به اختلاف افتاد و ناگزیر در نیمه دوم سـال، جای خود را به طهماسـب مظاهـری داد. مظاهری هم زیرپا گذاشتن قواعد بانکی را تاب نیاورد و در آبان ۸۶ با سه قفله کردن خزانه بانک‌مرکزی، بانک‌ها را به پرداخت تسهیلات تنها با تکیه بر سپرده‌های جذب شـده خود ترغیب کرد. جهرمی از همین جا بود که انتقادات خود را متوجه رییس کل وقت بانک‌مرکزی کـرد تا اینکه وی نیز برکنار شـد و جـای خود را به محمود بهمنی داد. در سـال ۸۶ با تمامی اختلافات میان بانک‌مرکزی و دولت بر سـر پرداخت تسهیلات بنگاه‌های زودبازده، بانک‌ها ۱۷۴/۱هزار میلیارد تومان سـپرده جذب کردند که با کسر سپرده قانونی مجاز به پرداخت ۱۴۹/۴هزار میلیارد تومان تسهیلات شدند در حالی که آنها ۱۶۴هزار میلیارد تومان تسـهیلات پرداخت کردند و همین نیز موجب شـد تا نسـبت تسهیلات به سپرده‌ها با چنددرصد افزایش نسبت به سـال قبل به ۱۰۹/۷درصد برسد. بانک‌ها سال ۸۷ را بـا بحران منابع آغاز کردند زیرا هر چه بود را صرف تسـهیلات کرده بودند. نگاهی به آمار هم گویای این نکته است. رشد تسهیلات و سپرده‌ها، هر دو کاهش یافت. رشـد تسهیلات که در سـال‌های قبل به طور میانگین حدود ۴۰درصد بود در سال ۸۷ به ۱۳درصد کاهش یافت. سـپرده‌ها نیز که در سال‌های پیش با رشـدی در حدود همان ۴۰درصد حرکت می‌کردند در سال ۸۷ تنها ۱۱/۵درصد رشد یافتند. در این سال بانک‌ها توانستند ۱۹۴/۳هزار میلیارد تومان منابع را از سطح جامعه جمع‌آوری کنند. البته بخشی از این منابع باید نزد بانک‌مرکزی سپرده می‌شد بنابراین آنها مجاز بودند ۱۶۷/۵هزار میلیارد تومان تسهیلات دهند بـا این حال بانک‌ها باز هم پا را فراتر نهادند و ۱۸۵/۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کردند. دقیقا از این سال بود که سیاست‌های انقباضی مظاهری ملغی شـد و در مقابل بهمنی، سیاست‌های انبساطی را در پیش گرفت. در همین راسـتا، سپرده قانونی بانک‌ها که از زمان دولت نهم تا مهر ۸۷ براساس سیاست‌های انقباضی تعیین می‌شد، رنگ انبساطی به خود گرفت و با این اقدام توان وام دهی بانک‌ها افزایش یافت. اگر در این سال‌ها نیز همان قاعده برای سپرده‌های قانونی اعمال می‌شد الان باید شاهد افزایش نسبت تسهیلات به سـپرده‌ها به بیش از ۱۲۰درصد بودیم. با این حال این نسبت در پایان سال ۸۷ حدود ۱۱۰/۵درصد ثبت شد. مسـکن مهر نیز که آمد فشار مضاعفی بر گرده بانک‌ها شـد. اما دولت در سـال ۸۸ مانند سال‌های گذشـته چندان بر بنگاه‌های زودبازده تاکید نداشت شاید دولت نیز شکست بنگاه‌های زودبازده را پذیرفته بود. مسکن مهر نیز فشار زیادی بر بانک‌ها نداشت چرا که تنها دو بانک ملی و مسکن تامین‌کننده منابع مورد نیـاز آن بودند البته نباید نقش بانک‌مرکزی در ایجاد خطوط اعتباری در این خصوص را از یاد برد.

گزارش دیدار نمایندگان بخش خصوصی با نماینده دولت در اتاق ایران

همه علیه کلیشه‌های دولتی

بهراد مهرجو



چهـره‌اش چندان به مدیران بخش خصوصـی نمی‌خورد. کت و شـلواری ساده و با رنگی روشن بر تن کرده ولی اصلاح صورتش و موهایش بیش از آنکه شبیه به مدیرکارخانه یا تجارت‌خانه‌ای خصوصی باشد، به مدیرانی نزدیک است که سال‌ها پول نفت را مدیریت کرده‌اند. آسانسـور در طبقه هشـتم می‌ایستد. باز هم به سـبک همان مدیران دولتی با احوالپرسـی‌های بسـیار و مشایعت همراهان وارد سالن کنفرانس می‌شود. کمی پیشـتر محمد نهاوندیان، رییس پارلمان بخش خصوصی به اسـتقبال او رفته بـود. روی صندلی در بالاترین نقطـه اتاق و در رأس میز می‌نشـیند. صدایش را صـاف می‌کند. میزبانان به او نان سـنگک و پنیر تعارف می‌کنند. بی‌تکلف دست را به سمت نان می‌برد و لقمه‌ای می‌گیرد همزمان با اطرافیانش حـرف هم می‌زنـد. چنـد دقیقه بعد سـالن پر از چهره‌هایی شـده که هم به او شـباهت دارنـد و هم در مقابلش جایی می‌گیرند. بعضی‌ها کروات زده‌اند، کت و شـلوارهای مارک‌دار خارجی بر تن دارنـد، فرم‌های عینک ایتالیایی بر چشم زده‌اند و اصلاح‌کرده خود را به جلسه صبحگاهی رسانده‌اند. جمع نمایندگان رفته‌رفته تکمیل می‌شود. میزبان به رسـم همیشـگی خوش‌آمدگویی می‌کند. محمـد نهاوندیان صدا را صاف کـرده و کلمات مرتب را کنـار هم می‌چینـد. جملاتش ربـط منطقی دارد و فعل ناقـص و کلمه مبهم در کار نیسـت، به همان اندازه دوپهلو حرف می‌زند. او کت و شـلواری رسـمی بر تن کرده اسـت. یکی از نزدیکانش در اتاق می‌گوید: «همیشه لباس ساده می‌پوشد.» مدیر کنار دستی او هم پوششی ساده دارد ولی لحن کلامش با رییس پارلمان بخش خصوصی چندان همخوان نیست. تهلهجه آذری دارد، صاف روی صندلی نشسـته اسـت. با دسـتانش زیاد حرف می‌زند، هر لحظه جنب‌وجوشـی می‌کند و قطاری از کلمات پرمصرف را ردیف می‌کند: «چالش‌ها، پویش‌هـا، راهکارها، موانع، بخش خصوصی، همکاری، دولت، پالایش، توسـعه صادرات و...» چند دقیقه بعد، کمی جدی‌تر می‌شـود، احساس می‌کند مخاطبانش کلماتی پرهیجان‌تر می‌خواهند: «آمده‌ایم، ایستاده‌ایم، توسـعه، عدالت، دلار، صندوق ذخیره ارزی و...» او که حرف می‌زند، بعضی‌ها با تلفن همراه‌شان بازی می‌کنند و عده‌ای هم سرگرم مکالمه با هم قطاران‌شان می‌شوند. آقای مدیر باز هم لحن را جدی‌تر می‌کند، وقتی جدی می‌شـود، تهلهجه آذری هم بیشـتر به چشم می‌آید. برخی مواقـع به مدیری در کنارش اشـاره می‌کند. او معاون رییس هیات عامل صندوق توسـعه ملی است. رییـس از او کمـک می‌خواهد و می‌گویـد؛ آمارهای واقعی را به «نمایندگان بخش خصوصی بدهید.» چند دقیقه‌ای از سخنرانی او گذشته که احساس می‌کند باید با جمع صمیمی‌تر شود. از همراهی با بخش خصوصی حـرف می‌زند و نقل‌قول‌هایـی از دولت می‌آورد. میان جملاتش کمی عقب‌گرد احسـاس می‌شود. عبارتی را به عربی می‌گوید که معنایش چنین اسـت: «هر کس مسوول شترهای خودش در کاروان است.» منظورش را شفاف بیان کرده است. پیرمردی در انتهای سالن با کت و شلواری ساده بر تن و موهای یک‌دست سفید به دیوار خیره شـده است.، قربانی، رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی همچنان ادامه می‌دهد.

کمی دورتر از او شـمس اردکانی، نماینده باسابقه بخش خصوصی، کلاه همیشگی را بر سر گذاشته، کت و شـلواری معمولی بر تن کـرده و مدام با تلفن همراه خود بازی می‌کند، هر چند دقیقه یک‌بار سر را بلند می‌کند و نگاهی به اطرافیـان می‌اندازد. آقای مدیر همچنان کلمات را ردیف می‌کند: «چالش، پویش، همراهی، صمیمی و...» محمد نهاوندیـان در کنار او نشسته، همچنان آرام اطراف را نگاه می‌کند. لیوان یک‌بارمصرفی را در دست گرفته و بازی می‌کند. چند ثانیـه بعد آبی در لیـوان می‌ریزد و سـر می‌کشـد. همزمان شمس اردکانی هم بطـری آب‌معدنی را زمین می‌گذارد. در میان جمع فاطمه مقیمی، نماینده معروف اتاق با دیگران گفت‌وگو می‌کند. مانتوی قهوه‌ای روشن بر تن و روسری رنگ روشن بر سر کرده و کیف چرم قهوه‌ای هم کنار دسـتش جایی گرفته اسـت. او طی سال‌های گذشـته برای همه خوانندگان نشریات عامه‌پسند به چهره‌ای آشنا بدل شده است. گاهی تصویر جلد مجلات خانوادگی می‌شود، برخی مواقع در نشریات جدی اقتصادی اظهارنظر می‌کند و هرازچندگاهی هم در صداوسـیما تصویر زن موفق را ترسیم می‌کند ولی حالا چندان کاری با جلسه ندارد. حاضران جلسه مدام نامه‌هایی را به نهاوندیان می‌رسانند. مقیمی هم نامه‌ای به او می‌دهد. قربانی بیش از چند دقیقه قبل، لهجه آذری را عیان می‌کنـد. در میان کلام هم رفتاری را مختص خود می‌کند: «یک مثالـی جایی زدم که حالا جایش نیست بگویم.» سرش را پایین می‌انداز و می‌خندد، باز هم به سرعت رشته کلام را به دست می‌گیرد. حاضران به صراحت از سخنرانی خسته شده‌اند. مردی تنومند با کت و شلوار مشکی، پیراهن قهوه‌ای و سبیلی متفاوت از دیگـران روی صندلـی کنار میز لـم داده و او هم با گوشی تلفن همراه بازی می‌کند. حرف‌های آقای رییس به انتها نزدیک می‌شـود. مرد جوانی در نقطه قرینه او در انتهای میز نشسـته اسـت. حدودا ۳۵ سال دارد، با ته لهجه اصفهانی زیر لب غر می‌زند. مرد کنار دسـتی صدای او را می‌شـنود و جوان اصفهانی اعتمادبه‌نفس پیدا می‌کند. صدایش را بلندتر می‌کند به اندازه‌ای که حداقل دو یا سـه نفر دیگر هم بشنوند. اعتراضی آرام دارد. صحبت‌های رییس دولتی به پایان رسیده است. نهاوندیان به سرعت دسـتور پرسش و پاسخ می‌دهد. همچنان آرام اسـت. سعی می‌کند، دیپلماتیک حرف بزند. نفر اول سـوالی رسمی می‌کند اما سوال نماینده دوم قدری کنایه دارد. حریری نماینده اتاق ایران، کت و شلواری خارجی بر تن کرده، کروات زده است، موهای خود را به سـبک مدیران بخش خصوصی مدرن شانه کرده، صدایش بلند است، اعتمادبه‌نفس دارد و از همان کلام اول روشن می‌کند که قصد انتقاد و اعتراض دارد، می‌گوید: این چه حساب ذخیره ارزی است که موجودی آن را کسی نمی‌داند؟ سـوال را با انتقاد ادامه می‌دهد. به رییـس دولتی تذکر می‌دهد که چـرا رقم را اعلام نمی‌کند. رییـس روی حرفش می‌آید و می‌گوید چند روز قبل مصاحبـه‌ای صورت داده و رقم دقیق را گفته است. حریری باز هم ناامید نمی‌شود، می‌گوید: «منظورم مکانیزم بود. این‌طور نمی‌شود که شما هر وقت خواستید اعلام کنید.» مثالی از چراغ راهنمایی و متخلفان می‌زند و هر چند دقیقه کنایه‌ای به دولت می‌اندازد. نهاوندیان میان جملات او، کلامی می‌گوید. قصد دارد ضرب کلام معترض را بگیرد. دو نفر کناری حریری با حرکات سر، حرف‌های او را تایید می‌کنند. نفر سمت راست کروات زده و پیراهن آستین‌کوتاه پوشیده است. نفر سمت چپ هم کت و شواری تیره‌رنگ بر تن دارد. شمس اردکانی در سمت دیگر سالن کلاه را از سر برداشته است. موهای سرش را از ته زده و سیمایی متفاوت از تمامی حاضران در جلسه پیدا کرده است. سخنران چهارم کم‌کم نطق را آغاز کرده اسـت. ریش بلندی دارد ولی ریشـش به سبک تیپ مذهبی مرسوم نیست، کت و شلوار بر تن دارد، هیچ کاغذی در مقابلش نیست، حرف‌هایش را از حفظ می‌گوید و نگاهش را هم به راس سـالن دوخته است. می‌گوید: «ما بزرگ‌ترین تشکل صادراتی بخش خصوصی هستیم...» حرفش که تمام می‌شود، همگی حاضران به اتفاق نظر رسیده‌اند. او برای تشکل متبوع خود تقاضـای وام از صندوق ذخیـره ارزی کرده بود: «دسـت یاری بدهید و کمکی به این تشکیل کنید...»

برخی از آقایان می‌گویند، وام از صندوق بدهید که ما تجارت کنیم. این صندوق که برای تجارت نیست... می‌گویند دولت از این صندوق هفت میلیارد دلار به مسکن مهر کمک کرده است. شنیده‌ایم که سه میلیارد دلار هم برای پرداخت یارانه‌ها نقدی برداشت کرده است. ۲/۵ میلیارد دلار هم وام به بانک صنعت و معدن داده است

نماینده بعـدی بخش خصوصی، کیخسروی عینکی بزرگ بر چشم زده، موهایش تماما سـفید شده و بریـده بریده حـرف می‌زند. کت و شلواری سـاده و با رنگ تیره بر تـن کرده اسـت. او هـم کاغذی روبه‌رویش نـدارد. حرف‌هایش را تکه‌تکه می‌گوید، دستش را داخل کتش گذاشته است، فرم سخنرانی او چنین اسـت. حرف‌های او تمام نشده ولی هرکسی دور میز قهوه‌ای بزرگ مشـغول کاری شده است. یکی می‌نویسد، یکی آب می‌خورد، یکی چای می‌ریزد، یکی همچنان با تلفن همراه بازی می‌کند. سایران هم به چهار تلویزیون بزرگ سالن خیره شده‌اند که چهره سـخنران اول را نشان می‌دهد. سخنران بعدی از یکی از اطرافیان حریری است. کروات، پیراهن آستین‌کوتاه خارجی، سـاعت مچی بر دسـت و موهای جوگندمی چهره او را می‌سازد. حاجی‌بابا می‌گوید: «خودش چند باری از صندوق وام گرفته است...» وقتش تمام می‌شود ولی حرفش همچنان ادامه دارد. منشـی جلسه تذکر وقـت می‌دهد. حاجی‌بابا اعتراض می‌کند و می‌گوید با سابقه‌ای که دارد باید چند سوال دیگر بپرسد. نهاوندیان می‌گوید: «بپرسـید.» ادامه می‌دهد و از مدیریت‌های دولت انتقاد می‌کند. نقل می‌کند که در جایی شنیده که موجودی حسـاب ذخیره ارزی منفی شـده است. مخاطب او نماینده دولت است ولی رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی خودش را سرگرم مجادله با پوست نسکافه آماده کرده است. سعی می‌کند، محتویات بسته را در لیوان آب‌جوش بریزد. حاجی‌بابا همچنان پرشور ادامه می‌دهد.

نفـر کناری شـمس اردکانی، ناطق بعدی جلسـه شـده اسـت. نیم‌خیز و با حرارت حـرف می‌زند. کت و شـلواری قهوه‌ای بر تن دارد. در میان کلامش مثالی از سـیدجمال‌الدین اسـدآبادی می‌زند تا مدیر دولتی را مجاب به پذیرش کند. نفر بعدی مدیری با همان ترکیب ظاهری اسـت. کت و شـلوار خارجی، کـروات، موهای اصلاح‌شده و شیک. همان کلمات قدیمی را تکرار می‌کند: «پویا، مولد، پایا، سرمایه، صنایع کوچک.» لحن پورفلاح آرام اسـت، می‌گوید: «باید سازمان برنامه را دوباره احیا کنیم.» او اشاره به سازمانی دارد که دولت چندین سال برای برچیدنش زمان صرف کرده بود. سـخنران بعدی، فرهاد فزونی پرهیجان میکروفون را روشن می‌کند. تمام موهایش سفید شده است، کت و شلواری تیره بر تن دارد و از همان ابتدا انتقاد می‌کند: «برخی از آقایان می‌گویند، وام از صندوق بدهید که ما تجارت کنیم. این صندوق هفت میلیارد دلار به مسکن مهر کمک کرده است. شنیده‌ایم که سـه میلیارد دلار هم بـرای پرداخت یارانه‌ها نقدی برداشت کرده اسـت. ۲/۵ میلیارد دلار هم وام به بانک صنعت و معدن داده اسـت.» حرفش به وزارتخانه ادغام شـده رسیده اسـت: «وزارت تولید و صنعت... ببخشید وزارت صنعت و معدن و... ببخشـید.» نام وزارتخانه جدید دولتی را نمایندگان بخش خصوصی هم نمی‌توانند از حفظ بگویند. نهاوندیان به کمک فزونی می‌آید و نام کامل را پیش‌روی او قرار می‌دهد. نفر بعدی نماینده انجمن سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اسـت. کلام را با کنایه و گلایه آغـاز می‌کند: «خب وقت برای ما کم اسـت. معلومه اصلا ما جایی در اقتصـاد ایران نداریم، خب وقت هم کم می‌دهند.» تنها کسـی اسـت که کت و شـلواری روشـن بر تن کرده اسـت. سـخنران بعدی برادر وزیر ارشاد است. حسـینی همزمان اعتراض، تشـویق و گلایه را با هم عرضه می‌کند. سخنران بعدی هیجـان بیشـتری دارد: «وقتی چشم را می‌بندید و گوش را باز می‌کنید، اینجا می‌شود بهشت ولی وقتی گوش را می‌بندید و چشم را باز می‌کنید، می‌شود جهنم.» همه برای او دست می‌زنند. تنها دو نماینده خانم در جلسه حضور دارند. یکی از آنها میکروفن را روشن می‌کند تا اظهارنظری داشته باشد. اولین رقم را در نطقش اشتباه می‌گوید، بازهم نهاوندیان کمکش می‌کند تا عدد اصلاح‌شده بیان شـود. نوبت به پاسخ‌های دولتی می‌رسد. رییس دولتی در برابر پرسـش‌های بخش خصوصی کمی روحیه را از دسـت داده اسـت. از میان جمع، یکی به او گفته بود: «اصلا رزومه خودتان را بدهید ببینیم دقیقا چه کسانی کار دست‌شان است.» رییس دولتی پاسخ‌ها را از همین رزومه آغاز می‌کند. می‌گوید روزمه همه اعضای سازمانش از تولد تا «همین الان روی سایت» قرار گرفته، شما هم بروید و ببینید. قصد پاسخ‌گویی ندارد. می‌گوید خیلی از سـوال‌ها به کلیت دولت مربوط است و باید از خودشان بپرسـید: «من فقط در مورد سـازمان خودم مسـوول هستم.» از معاونش برای پاسخگویی کمک می‌خواهد. هر دو سخنرانی را دوباره کلید می‌زنند. همزمان بیرون از جلسه در راهرو کناری سالن، شاهرخ ظهیری، نماینده سرشناس بخش خصوصی با یکی از مدیران اتاق سرگرم گپ شده است. سعی می‌کند برای کار «خیری» اقدامی کند. نگاهی از زیر چشم به جلسـه می‌اندازد، به آرامی عبور می‌کنـد و می‌رود. رییس دولتی همچنان کلمات همیشـگی را دنبال می‌کند: «پویش، همراهی، دولت، بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری، حمایت، عدالت و... .»

خبر

وقتی قیمت تخم‌مرغ را مرغ تعیین می‌کند

تخم‌مرغ طلا شد

■ **مهـر:** قیمت تخم‌مرغ این روزها نقل محافل است و برخی فروشـگاه‌ها تخم‌مرغ را تا کیلویی چهارهزارو ۵۰۰تومان هم به مردم می‌فروشـند به همین دلیل اغلب کسـانی که قبلا کیلویـی تخم‌مرغ می‌خریدند اکنـون با چند دانه تخم‌مرغ یا دسـت خالی به خانه بازمی‌گردند. افزایش قیمت تخم‌مرغ در حالی اسـت که قیمت گوشـت مرغ نصف قیمت تخم‌مرغ است و امروزه صحبـت از تخم‌مرغ قصه تخم طلا را به ذهن می‌آورد. معاون نظارت سازمان بازرگانی استان مرکزی در گفت‌وگویی علت افزایش قیمت تخم‌مرغ را افزایش تولید و اشـباع بازار از مـرغ و کاهش عرضه تخم‌مرغ دانست و گفت: در قدیم روال این بوده که معمولا قیمت تخم‌مرغ معادل نصف قیمت مرغ باشد. این روال از آنجا سرچشمه گرفته که مثلا به نسبت خوراک مرغ و دیگر عوامل مرتبط قیمت تخم‌مرغ، نصف گوشت مرغ تعیین می‌شده است. سید کمال فدایی فروتن افزود: امسال هم میزان تولید مرغ افزایش چشمگیری داشت و هم از طرفی دولت با توجه به اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها میزانی مرغ در سراسر شهرها و استان‌ها ذخیره کرده بود که اگر در زمانی بازار نامتعادل شود این میزان مرغ به بازار عرضه شـود. معاون نظارت و بازرسی سازمان بازرگانی استان مرکزی اضافه کرد: با توجه به اینکه در بازار اتفاق خاصی نیفتاد و بازار نامتعادل نشد این مرغ‌ها در سـردخانه‌ها باقی ماند و همان‌گونه که مرغ زمان مصرف دارد باید وارد بازار می‌شد. فروتن ادامه داد: در حال حاضر هم تولید مرغ گرم داریم و هم مقداری مرغ منجمد که باید وارد بازار می‌شد. ورود این مرغ از طرف کلیه اسـتان‌ها و حجم بالای تولید نسبت به مصرف باعث شد که با عرضه بیش از حد روبه‌رو شویم. معاون نظارت و بازرسـی سـازمان بازرگانی تصریح کرد: در بحث تخم‌مرغ عکس قیمت مرغ است و در واقع علت افزایش قیمت تخم‌مرغ کاهش عرضه اسـت. فروتن یادآور شد: در بهمن ماه سال گذشته بیماری آنفلوانزا در مرغداری‌های تخم‌گذار در سطح چند استان منجر به معدوم شدن مرغ‌های تخم‌گذار شد. وی ادامه داد: عمده‌ترین این مراکز قم، تهران، قزوین و کرج بودند که مرغداری‌ها را معدوم و قرنطینه کردند که پس از آن در سراسر کشور با کاهش عرضه تخم‌مرغ و افزایش قیمت مواجه شدیم. فروتن در پایان گفت: در واقع کاهش تولید و افزایش تقاضا باعث شد قیمت تخم‌مرغ به شدت افزایش یابد. البته باید به این هم توجه کنیم که قیمـت نهاده‌ها، مرغ مـادر و داروهای دامی و تقویتی هم به شدت افزایش داشته است.

